

* لیلی معنوی گویی، اردیبهشت

بررسی تبعیض جنسی در کتاب‌های زبان فارسی

شپو شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده و پیام مقاله:

تبعیض جنسی به معنای تفاوت‌های ناعادلانه و غیرعادلانه در برخورد با زنان و مردان است. در این مقاله به بررسی تبعیض جنسی در کتاب‌های زبان فارسی پرداخته شده است. در این راستا، به بررسی تبعیض جنسی در کتاب‌های زبان فارسی پرداخته شده است. در این راستا، به بررسی تبعیض جنسی در کتاب‌های زبان فارسی پرداخته شده است.

لیلی معنوی گویی - سیلند

۱۳۵۳ - کتابخانه اساتید دانشگاه تهران

ادبیات فارسی تاریخ و تحولات

دانشگاه شهید بهشتی تهران و کتابخانه

در آموزش و پرورش استان اردبیل -

پیشرو مقاله‌های دهخدا در فرهنگ

دهخدا سیاست از او در شهرداری

۵۷ همین مجله چاپ شده است

سال چهارم - ۱۳۸۱

آموزش زبان و ادب فارسی



شماره ۶

تبعیض جنسی به معنی اعمال، رفتار، پیش داوری ها و ایدئولوژی هایی است که زنان را فرودست تر و کم ارزش تر از مردان و مردان را مسلط بر زنان می داند^۱. این تبعیض و فروداشت زنان بنیان های عمیق خود را در خانواده، جامعه، سیاست، اقتصاد و حتی زبان و دستور زبان نیز می گسترد و با وجود پیشرفت های جوامع، همچنان به حیات خود ادامه می دهد. فروتن انگاشتن زنان و حذف یا کاهش حضور و فعالیت آنان در عرصه ی اجتماع به شکل مکتوب در کتاب های درسی آموزش و پرورش از آن جمله کتاب های زبان فارسی دبیرستانی در شاخه های نظری و فنی و حرفه ای اساس و پایه ای علمی می یابد و فرهنگی غلط و بیمارگونه در کتاب های درسی منعکس می شود و به این ترتیب کتاب های درسی ما نه تنها در جامعه ایجاد دگرگونی مثبت نمی کنند، خود ترویج دهنده و تثبیت کننده ی فرهنگی غلط هم می شوند.

در این نوشتار روی سخن با اصحاب قلم، دستورنویسان، زبان شناسان و مسؤولان آموزش و پرورش است که امروز و فردایی بهتر و عالم و آدمی دیگر را به دور از هرگونه ستم و تبعیض خواستارند. قصد بر این است که کتاب های زبان فارسی دبیرستانی از دیدگاه تبعیض جنسی بررسی شود و عملکرد و تأثیر این کتاب ها در ایجاد و تثبیت دوگانگی های عمیق بین دو جنس مذکر و مؤنث نشان داده شود.

زبان فارسی فی نفسه در مقایسه با دیگر زبان ها همچون عربی، انگلیسی و فرانسه تبعیض جنسی کمتری دارد. به طور مثال در زبان فارسی کلمه ها دارای جنس نیستند یا در ضمایر شخصی و اشاره و نشانه های جمع جنسیت مطرح نیست. تنها مورد تبعیض جنسی در زبان فارسی برخی کاربردهای بزرگان نظم و نثر در متون مهم و کهن فارسی است؛ واژه هایی همچون بنی آدم که در معنای نوع آدمی به کار می رود و نه به معنی پسران آدم و یا واژه هایی همچون مرد و مردی و مردانگی و جوانمردی که به معنای برتری و نیکی و بزرگی و توانایی مورد استفاده قرار می گیرند و واژه هایی همچون زن و زنانگی نقطه ی مقابل آن ها هستند و روشن است که واژه های گروه نخست معنی مثبت و گروه پسین معنای ضعف و ناتوانی دارند.

زبان فارسی در سال های اول، دوم و سوم نظری دبیرستانی در رشته های تحصیلی علوم تجربی و ریاضی و علوم انسانی کتابی مجزاً و مستقل دارد. در تمامی این کتاب ها تبعیض جنسی به نفع جنس مذکر فراوان به چشم می خورد. این تبعیض هم در کمیت است و هم در کیفیت. نویسندگان محترم کتاب های درسی نوشته های خود را از انواع افکار قالبی و کلیشه ای تبعیض آمیز انباشته و ندانسته اند دختران ما که نیمی از مخاطبان

آن ها هستند، از تصاویر ناقص و ضعیف منعکس شده از زنان در متن کتاب های درسی تأثیر می پذیرند و با نینم نگاهی به دنیای اطراف خود در خانواده و جامعه و آن گاه کتاب های خود به این یقین خدشه ناپذیر می رسند که جنس زن پایین تر و ضعیف تر و محدودتر از جنس مرد است و به این ترتیب مدرسه های ما جایگاهی می شود برای فراگیری و تحکیم پایه های تبعیض جنسی. به این ترتیب، زبان فارسی تنها به آموزش دستور زبان، نگارش و املا نمی پردازد بلکه به طور ضمنی به برتری جنس مذکر بر مؤنث صحه می گذارد. مثال هایی که در این کتاب ها می آید، به خوارشمردن زنان و دختران و بزرگ داشتن مردان و پسران می پردازد و چنان سد محکمی بین این دو جنس متفاوت ایجاد می کند که گویی هر گروه ویژگی های منحصر به فرد خود را دارد و دو جنس نه متفاوت که مخالف و متضاد هستند. در این مثال ها نقش های همراه با قدرت، اعتبار و خلاقیت و اهمیت متعلق به جنس مذکر است و نقش های کوچک، کم اهمیت و سنتی مختص زنان است. در مثال های مربوط به زنان، زنان چنان نموده می شوند که گویی همیشه مادر هستند و در محدوده ی خانواده و در ارتباط عاطفی با فرزندان خود حق حیات دارند؛ در حالی که واقعیت همیشه چنین نیست و زن غیر از محدوده ی خانواده و ایفای احتمالی نقش مادری، در جامعه و اقتصاد و سیاست هم فعال و بویاست و باز واقعیت این است که همه ی زنان، مادر نیستند، نمی خواهند و یا نمی توانند مادر باشند و تنها امتیاز زن، مادر بودن او نیست و باز واقعیت این است که همه ی زنان خواهان و مشتاق انگشتی طلا نیستند^۲.

زنانی هستند که به تنهایی زندگی می کنند، کار می کنند و از انسانیت هم هیچ کم ندارند اما مثال های کتاب های زبان فارسی زنان را فقط و فقط درون خانواده به تصویر می کشد و کسانی از ارتباط های اجتماعی او در محیط کار و جامعه ارائه نمی دهد. در مقابل، جنس مذکر به ندرت درون خانه و خانواده حضور می یابد و بیشتر در جامعه و محل کار و فعالیت های اجتماعی مطرح می شود. در مقابل یک «سیمین» که انگشتی طلا می پسندد، ده ها و ده ها «علی» هست که کتاب می خواند و به کتابخانه و کوه نوردی می رود و کارهای مفید دیگر از او سر می زند و چنین است که دختران ما می پذیرند زن باید مادر باشد تا معنا شود چرا که در بیرون از خانواده هیچ مفهومی ندارد و دامنه ی استعدادها و توانایی هایش محدودتر و کم تر از جنس مذکر است اما به نظر نمی رسد این نتیجه گیری، هدف آموزش و پرورش باشد که تأمین برابری امکانات برای هر دو جنس است.

پیش از پرداختن به متن کتاب های زبان فارسی دبیرستان لازم به توضیح است که پیش زمینه ی تبعیض جنسی در کتاب ها و مواد

جدول شماره‌ی (۱) : شامل تحلیل کمی است در برگزیده‌ی تمام مثال‌هایی می‌شود که نام جنس مذکر در آن آمده است از قبیل :

۱- آن پسر توب را به فرهاد می‌دهد.	(درس ۲ - ص ۱۰)
۲- آن پسران توب را به فرهاد می‌دهند.	(همان)

جدول شماره‌ی (۵)

۱- تو و حسن ، حسن با تو ، حسن با همویش ، من و حسین ، علی و ماء ، حسن و من .	(درس ۲ - ص ۹)
---	---------------

جدول شماره‌ی (۳)

۱- حسن و ملک ، یوسف و حسن ، علی و حسن ، حسن و علی	غلام محمدخان طرزی افغانی ، امیر عبدالرحمن خان (ص ۱۷)
---	--

درسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی فراهم شده است . به این ترتیب که پسرها در درس حرفه و فن خود به نجاری می‌پردازند ، میز و صندلی می‌سازند ، باتری و مولد برقی درست می‌کنند ، انواع آزمایش‌های مکانیکی انجام می‌دهند و در مقابل ، دختران خیاطی و گلدوزی و بافتنی و آشپزی و کودکیاری می‌آموزند و روشن است که اگر پسری به خیاطی یا گلدوزی علاقه‌ی بیشتری نشان بدهد و یا برعکس دختری بخواهد نجاری کند ، چه برخورد نمره‌ای در انتظار او خواهد بود!

در این بخش نویسنده به بررسی کتاب‌های زبان فارسی دوره‌ی دبیرستان پرداخته است تا موارد تبعیض جنسی را در آن بیابد . این بررسی در دو بخش تحلیل کمی و کیفی صورت گرفته است . در بخش نخست تعداد اشخاص مذکر و مؤنث موجود در متن درس‌ها ، خودآزمایی‌ها و پیام‌ها باهم دیگر مقایسه شده‌اند و در بخش تحلیل کیفی ، صفات و ویژگی‌های هر دو جنس و کارکردهای آنان را از متن درس‌ها و مثال‌های خودآزمایی‌ها استخراج کرده‌اند تا مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرند .

نویسنده‌ی محترم به همین ترتیب طی سه جدول ۱- ۲ و ۳ ، ۷۳ مورد جمله‌هایی را که در متن درس و خودآزمایی‌ها و پیام‌ها و مثال‌ها محتوی نام و عنوان مذکر است ، فهرست کرده‌اند و علاوه بر آن ۵۳ نام از اعلام مشاهیر و بزرگان کتاب را از خواجه نظام‌الملک و ضحاک و فردوسی تا سنجر و دهخدا که در کتاب آمده استخراج نموده‌اند که نمونه‌ای از جدول‌ها را دیدیم .

کار استخراج جمله‌های حاوی نام‌های مذکر در کتاب زبان فارسی ۲ نیز طی جدول‌های شماره ۴ و ۵ به همین

بررسی دو کتاب زبان فارسی ۳ رشته‌ی نظری - غیرانسانی نیز به صورتی که می‌آید ، ادامه می‌یابد :

جدول شماره ی (۹)

ترتیب ادامه یافته است که نمونه ای از آن را می بینیم (جدول شماره ی ۵).

الف - تحلیل کمی	زبان فارسی (۳) - سال سوم علوم انسانی - هر جنس
۱- متن دروس	مذکر
۱- کار آن ها مرد (کار آن مردها)	(درس ۱ - ص ۱۰)
۲- علی به خانه می رود؟	(درس ۶ - ص ۵۱)
۳- علی چگونه می رود؟	(تعمیر)
۴- در زبان فارسی مردانگی و زندگی می کند.	(درس ۱۰ - ص ۶۰)

این سیاهه نیز با ۶۳ جمله از مثال های کتاب زبان فارسی ۲ طی سه جدول شماره ۵ و ۶ و ۷ شامل تسمیرین ها، متن، خودآزمایی و بیاموزیم دنبال می شود و در پایان آن فهرست اعلام، مشاهیر و بزرگان کتاب طی جدول شماره ۸ به شرح روبرو می آید:

جدول شماره ی ۱۰ مربوط به خودآزمایی کتاب است به شرح زیر:

جدول شماره ی (۱۰)

چنان که ملاحظه می شود، از جدول شماره ی یک الی سیزده متعلق به جنس مذکر و از جدول شماره ی چهارده الی بیست مربوط به جنس مؤنث است و جداول شماره های ۲۱، ۲۲ و ۲۳ برابری دو جنس را نشان می دهند.

الف - تحلیل کمی	زبان فارسی (۳) - سال سوم علوم انسانی - هر جنس
۲- خودآزمایی	مذکر
۱- حسن به برادرش گفت که مقاله اش منتشر شد.	(درس ۳ - ص ۲۳)

حاصل جدول های شماره ی ۹ تا ۱۰ بررسی ۵۰ جمله از متن، تمرین ها و خودآزمایی های کتاب مزبور است. کتاب بعدی زبان فارسی ۳ سال سوم علوم انسانی است و حاصل آن دو جدول زیر:

جدول شماره ی (۱۲)

بلندی و کوتاهی جداول از نظر کمی نشانه ی تبعیض جنسی به سود جنس مذکر است. از لحاظ کیفی نیز باینم نگاهی به محتوای جدول ها درمی یابیم که تمامی صفات مثبت و کارهای مفید همچون کتاب خواندن و اهل مطالعه بودن، با دقت و پیگیری درس خواندن، صاحب شغل مهم و مفید در جامعه بودن، شجاعانه جنگیدن، ورزش کردن و کوه نوردی رفتن، مسافرت کردن و فعالیت های جنبی دیگر همچون درخت کاشتن و میخ و تخته خریدن و برنده ی المپیاد علمی شدن، در کار خود ماهر بودن، به وظیفه عمل کردن، خانه خریدن، امیدوار بودن، خوش قول بودن، به کتابخانه رفتن، به پدر نازیدن، مقاله منتشر کردن، درستکار بودن و... همگی مربوط به جنس مذکر می شوند. اعلام بزرگان و مشاهیر علمی و ادبی نیز اکثریت قریب به اتفاق مذکر هستند و در مقابل ده ها تن از مشاهیر مذکر، تنها دو مورد مؤنث در تمامی کتاب های زبان فارسی به چشم می خورد. در مثال های مربوط به جنس مذکر، این جنس در جامعه و در فعالیت های

الف - تحلیل کمی	زبان فارسی (۳) - سال سوم علوم انسانی - هر جنس
۲- خودآزمایی	مذکر
۱- بابام می آید. لباسش پراز بوی آفتاب است.	(درس ۱ - ص ۹)
۲- حسن به برادرش گفت که مقاله اش منتشر شد.	(درس ۳ - ص ۲۳)

جدول شماره ی (۱۳)

الف - تحلیل کمی	زبان فارسی (۳) - سال سوم علوم انسانی - هر جنس
۳- بیاموزیم	مذکر
۱- علی به بازار رفت.	(ص ۱۷۷)
۲- علی به خانه می رود؟	(ص ۱۷۸)
۳- چرا علی به خانه نرفت؟	(ص ۱۷۸)
۴- حمید در روز یادداشتن به کوه نوردی رفت.	(ص ۱۸۳)

بقیه ی مقاله شامل تحلیل کمی نام و عنوان و مشاغل مؤنث است به ترتیبی که عیناً می آید.

جدول شماره‌ی (۱۴)



۱- سیمین کدام انگشتر را پسندید.	همان
۲- سیمین بهترین انگشتر را پسندید.	همان
۳- سیمین انگشتر زیبا را پسندید.	همان
۴- سیمین انگشتر دیگر را پسندید.	همان
۵- سیمین انگشتر عالی را پسندید.	همان

اجتماعی معرفی می‌شود و نقشی بسیار جزئی و کم‌رنگ در محدوده‌ی خانواده و در ارتباط با اعضای خانواده برعهده می‌گیرد. درحالی‌که زنان همیشه در محدوده‌ی خانواده مطرح می‌شوند و در بیشتر موارد سخن از مادر و ارتباط عاطفی او با فرزندان می‌رود و اگر زن به صورت مادر معرفی نمی‌شود، نقش مفیدی به او واگذار نمی‌شود بلکه او را در هنگام خرید و پسند انگشتری طلا می‌بینیم.

این تصاویر ناقص و یک بعدی از زنان، با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی امروز کشور ما سازگار نیست. امروز زنان و دختران ما دیگر زندانیان چهاردیواری خانه‌هایشان نیستند و تنها ارتباط آن‌ها با فرزندان‌شان نیست. بلکه بخش‌های بزرگ از چرخ اقتصاد و صنعت و دیگر خدمات اجتماعی همچون پزشکی و پرستاری و معلمی و... به دست توانای زنان می‌گردد. پس چگونه است که نویسندگان محترم کتاب‌های درسی چشم بر واقعیت‌های اجتماع خود بسته و زن را همچون سده‌های پیش در محدوده‌ی خانه‌ها سرگرم بچه‌داری و خیاطی و آشپزی می‌بینند؟ چرا در مقابل ده‌ها «علی» کتاب خوان نباید یک «مریم» درس خوان هم باشد؟ چرا هیچ دختری مهندس ساختمان نمی‌شود و هرگز به کوه نوردی نمی‌رود؟

جدول شماره‌ی (۱۵)

۱- سیمین کدام انگشتر را پسندید.	موت
۲- سیمین بهترین انگشتر را پسندید.	موت
۳- سیمین انگشتر زیبا را پسندید.	موت
۴- سیمین انگشتر دیگر را پسندید.	موت
۵- سیمین انگشتر عالی را پسندید.	موت

جدول شماره‌ی (۱۶)

۱- سیمین کدام انگشتر را پسندید.	موت
۲- سیمین بهترین انگشتر را پسندید.	موت
۳- سیمین انگشتر زیبا را پسندید.	موت
۴- سیمین انگشتر دیگر را پسندید.	موت
۵- سیمین انگشتر عالی را پسندید.	موت

جدول شماره‌ی (۱۷)

عنوان مقاله	نویسنده
عنوان مقاله	نویسنده

جدول شماره‌ی (۱۸)

عنوان مقاله	نویسنده
عنوان مقاله	نویسنده

جدول شماره‌ی (۱۹)

عنوان مقاله	نویسنده
عنوان مقاله	نویسنده

جدول شماره‌ی (۲۰)

عنوان مقاله	نویسنده
عنوان مقاله	نویسنده

(درس ۲- ص ۲۱)

عنوان مقاله	نویسنده
عنوان مقاله	نویسنده

جدول شماره‌ی (۲۱)

عنوان مقاله	نویسنده
عنوان مقاله	نویسنده

(درس ۱۸- ۹۷)

عنوان مقاله	نویسنده
عنوان مقاله	نویسنده

شاید کاربرد نام زنان به غیرت مردانه‌ی جامعه‌ی ما برمی‌خورد، در این صورت آیا بهتر نیست به جای اسامی اعم از مذکر و مؤنث از عناوین استفاده شود؟ عناوینی همچون معلم، استاد، مهندس، مدیر، کارمند، دانش‌آموز و... که شامل هر دو جنس هم باشند؟

پی‌نوشت

- ۱- پیکار با تبعیض جنسی - آندره میشل - محمدجعفر پوینده - ص ۱۷.
- ۲- زبان فارسی (۱) - چاپ ۷۹ - ص ۸۰.